

ابو الفضل قاسمی حدیث روشنِ ظلمِ شما و نجبتِ ما

حقیقت است چرا صحبت از مجاز کنیم

پروین عظامی
الیکارشی
یا

خاندانهای حکومتگرایان

خاندان امینی

-۱۰-

میرزا علیخان امین الدوله

در جای دیگر حدود و وظایف امین‌الملك چنین تعیین میشود (عرایص و تحریرات ادارات بوسایل مختلفه بحضور همایون فرستاده نخواهد شد فقط بتوسط امین‌الملك رسیده احکام علیه را منحصرأ جناب معز الیه به ادارت ابلاغ خواهند کرد جواب، خواهند گرفت.

اصول مطالب و خلاصه تحریرات اطراف را بدون حشو و زوائد و نوشتجاتی را که شرح آن قابل ملاحظه و حاوی مطالب لازمه است عیناً نزد جناب امین‌الملك خواهند فرستاد.

درشوال ۱۲۹۷ سپهسالار برکنار و رانده میشود مستوفی‌الممالک (یوسف آشتیانی) با عنوان وزیر اعظم (مسئول امور مملکت) میشود ولی حضرت آقا موقعیت‌های مجدالملك و امین‌الملك را تأیید و تزیید میکند.

مجدد الملك در برابر اینهمه سپاس مستوفی الممالک قلم ناسپاسی را تا حد ممکن در رساله خود بچرخش در میاورد: مجدد الملك در صدارت مستوفی الممالک با مقام وزارت بدرود زندگی میگوید، با چنین دستخط شاهانه وزارت وظایف و اوقاف جزء ارثیه دولتی به امین- الملك انتقال مییابد.

(چون امر وظایف و اوقاف از جمله کارهای معظم

دولتست و باید وظیفه مقرری مردم در نهایت خوبی و درستی

باشد و اوقاف منظم باشد و خاطر ما از این ممر آسوده

باشد لذا این خدمت عمده را به امین الملك رجوع

میفرمائیم که آنچه شایسته نظم و ابتکار است بعمل آورد

کفایت خود را در تفتیح این عمل بظهور و بروز بیاورد

ذیحجه ۱۲۹۷ لوی ئیل ۲)

با این حساب در صدارت (حضرت آقا) امین الملك صاحب اختیارات بیشتر میگردد، علاوه بر مدیریت دارالشوری، رئیس دفتر اختصاصی شاه، واسطه عرایض و احکام می شود، ضیع الدوله (ادارات خاصه امین الملك) را (وزارت وظایف و اوقاف، وزارت پستخانه مبارکه، اداره مملکت آذربایجان) مینویسد که هر یک از این مشاغل خود اهمیت خاصی داشت و در ۱۲۹۹ دارای لقب امین الدوله میشود.)

یقیناً باز امین الدوله ابتکار را از خطاهای ناصرالدین شاه میدانند که چندین شل-هم را به کسی داده است نه خیانت خود که چندین پست را اشغال میکند.

دستهای چسبناک

اعتماد السلطنه که از دوستان امین الدوله بود در ذیل وقایع روز دوشنبه دوم ذیحجه ۱۳۱۰ در این باره مینویسد: (امروز صبح به سلطنت آباد رقم تفصیلی در آنجا گذشت که مینویسم در بیست و سه سال قبل ایام صدارت میرزا حسین خان صدراعظم قزوینی بندگان همایونی مصمم شدند که همین طور دوشنبه به پیازچال بروند رفته یک شب ماندند دندان مبارک درد گرفت و روز دیگر بهمین عجله مثل این دفعه به نیاوران مراجعت فرمودند و این اول دفعه بود که دندان مبارک درد گرفته بود و از همان پیازچال من به حکیم طولوزان که موقتاً مرخص شده پاریس رفته بود تلگرافی کردم که دندانسازی همراه بیاورد و همین مسیوه هیپنیت که حالا هست بعد از دو سه ماه دیگر با خودش به تهران آورد، یک روز قبل از رفتن به پیازچال بندگان همایون جمعیه عقیمی که در میانش الماس پیاده پر بود از اندرون بیرون آوردند آقا ابراهیم امین السلطان و علی رضا خان عضد الملك و محمد علی خان امین السلطنه، میرزا عامیخان منشی حضور امین الدوله این چهار نفر را مأمور کردند که از ابن الماسها مقداری منتخب کرده بند قمه برای اعلیحضرت همایونی زرگر بسازد.

من خود هم آن روز در وقوع این حادثه حضور بودم بعد از ناهار شاه بود حضرات

در ایوان جلوتالارویشهر نشسته بودند و الماس انتخاب می کردند. در این بین خبر کردند که مسیو موسون شارژدافر انگلیس که تازه وارد شده بود بحضور میآید، شاه بحضرات فرمودند که قدی آنظر فتر بنشینند که از محاذی تالار دور باشند، شارژدافر که آمد و رفت با مزاجت کرده بجای اول بیایند و بنشینند و مشغول کار خودشان باشند. حضرات که برخاستند بروند امین-السلطنه دست میرزا علی خان منشی را چسبید و این عبارت را گفت که عیناً می نویسم « یارو الماسها را چرادر کف دست قایم کردی» منشی حضور گفت دستم عرق کرده بود و چسبیده بود آقا ابراهیم امین السلطان بنای داد و فریاد را گذاشت و این عبارت را مکرر می گفت که فرمستی بهتر از این نوکری است که ماها را با این پسر با انتخاب الماس مأمور می کند که الماس را در حضور شاه می دزدد و ما بدنام می شویم.

شاه همینقدر فرمودند ساکت باشید شارژدافر برود بعد می بینیم شارژدافر آمد و رفت بعد امین السلطان گریه کنان و یقه پاره کنان باطاق شاه ورود کرد که ما را از نوکری معاف دارید یا همکاری با این قبیل اشخاص نکنید شاه فی الفور حکم فرمودند که به صدر اعظم گفته شود.

میرزا (۱۰۰۹) علی خان دیگر بخلوت نیاید و همان مجلس تهران و اسباب تحریر فقط که سپرده میرزا علیخان بود بمن دادند.

فردا صبح که از کوه البرز به پیازچال می رفتند میرزا حسین خان صدر اعظم خودم می شنیدم باین عبارت توسط از میرزا علی خان می کرد که (اگر میرزا علی خان در دو تکه الماس که روی هم رفته سی تومان نمی ارزد دزد است پس منم در ده کرور مالیات شما دزدتر از اوهستم.)

وهر بهاء بود سرداری کرمانی در پیازچال برای او خلعت گرفت و مجدداً او را بکار خودش که فقط قلمدان داری بود منصوب ساخت. شش ماه بعد که تدارک سفر اول فرنگ شاه را می دید یکصدونود هزار تومان پول نقد تحویل میرزا علی خان دادند که جواهرات و سایر تدارکات لازمه این سفر بود فراهم بیاورد مقصود از این اطناب این که در این روز شنبه دویم ذیحجه ۱۳۱۰ است و بیست و سه سال از این مقدمه گذشته است این مسئله هنوز در خاطر مبارک بود بمجردی که من عرض کردم که در این سفر بیست و سه سال قبلی که پیازچال تشریف می آوردید اتفاقی افتاد در نظر مبارک هست ؟

سربسته فرمودند بلی فقره الماس مفقود اینست که بحمداله هوش و حافظه پادشاه ما باین درجه است که هیچ چیز از خاطر شان نمی رود اما چه فایده میرزا علی خان امین الدوله حالا صاحب دو کرور مکننت و حاضر الصداره و سالی شصت هفتاد هزار تومان فایده دارد و ماهنوز در خم یک کوچه ایم. (۴)

کشف مجهول تاریخی

در اینجا مختصر اشتباهی از لحاظ تاریخ این رویداد شده است اعتماد السلطنه این واقعه در ۱۳۱۰ بیست و سه سال پیش می نویسد این تاریخ ۱۲۸۷ می شود که سه سال در این زمان

هنوز بصدارت نرسیده بود سال بعد ۱۲۸۸ صدر اعظم می شود.

اعتماد السلطنه در صدر التواریخ مطلبی را از ناسپاسی کسی در حق سپهسالار امین الدوله که گمان می رود زمان این رسیده است با اینهمه معلوماتی که از روابط سپهسالار و امین الدوله از پیش بصدارت تاجر کناری آن بدست آمده خوانندگان خود با داوری درست این مجهول تاریخی را حل کنند.

(کسانی بودند که میرزا حسن خان نیکی کرده آنها را از تنبیه و سیاست پادشاهی رها نموده بود .

در عوض این که باید در تمام عمر رهین منت و ممنون او باشند بطورهای دیگر تلافی کردند ...)

بعد نا آشکار کردن این راز را چنین می نویسد:

(چون این اشخاص هنوز در قید حیات هستند مناسب نیست که اسامی آنها ذکر شود (۵) .

رجال سرشناس که بمبارزه علیه سپهسالار برخاسته اند .

علیقلی مخبر الدوله ، عباس معاون الملك ، سعید مؤتمن الملك ، رحیم علاء الدوله ، علیخان امین الدوله ، عبدالوهاب نصیر الدوله ، فتحعلیخان صاحب دیوان ، ظل السلطان ، عضد الملك ، سلطان مراد حسام السلطنه و فرهاد میرزا معتمد الدوله بودند که غیر از معاون الملك ، مخبر الدوله (قوام الدوله بعدی) و صاحب دیوان شیرازی و عضد الملك و ظل السلطان و امین الدوله همه پیش از اعتماد السلطنه در گذشته بودند از اینان جز امین الدوله که رابطه نزدیک و هم لژیست سپهسالار بود زنده نبود و میدانیم هم او بود که بر اثر کشف دزدی الماس مورد قهر و تنبیه شاه قرار گرفت و سپهسالار او را از تنبیه رها نمود. بنابراین با این توضیحات مجهول تاریخی در مورد سیاستمداری که اعتماد السلطنه بیم داشت ، نام او را آشکار کند حل می گردد .

بالاتر از سوپر وزیر

دیدیم یکی از کارهای تیب سپهسالار ، دور کردن مستوفی الممالک از دستگاه بصدارت و تبعید به اراک بود ولی همین که در ۱۲۹۵ (۱۸۷۸ م) ناصرالدین شاه تصمیم می گیرد قدرت گسترده و باز سپهسالار را محدود کند مستوفی الممالک را فراخواند، هیأت دولت بسه وزارتخانه بزرگ اساسی و چندین وزارتخانه عادی بخش کرد، یکی از سه (سوپر وزیر) مستوفی الممالک بود که حضرت آقا (مجدد الملك) را جزه و وزیران خود پذیرفت با این دگرگونی نیز مجدد الملك

دور از خوان سیاست نماند. اختیارات امین‌الملک پسر مجدالملک نیز نه تنها محدود نشد باین حکم و دستخط شاهانه بیشتر شد.

(جناب امین‌الملک در احرای وظایف ادارات از طرف قرین الشرف همایون مواظبت مخصوص دارد و باید همیشه انجام و اجرای او امر علیه تکالیف بر دایره راه‌طلبه کند (۷).

در حقیقت امین‌الملک که تا بحال مدیر دارالشوری بود و مدیر دولت هم میشود سوپر وزیران را گرد می‌آورد سوگندنامه را به مهر امضای آنان می‌رساند، وظایف آنان را تقریر می‌کند، دستخط‌های صادره حاکی از موقمیت جدید اوست .

(تمام نوشته‌جات از هر قبیل و هر قسم به امین‌الملک برسد او بحضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد دستورالعمل و تکالیف شما را می‌نویسم و باید خود را بتمام آنچه معین و مقرر کرده‌ایم تکلیف بدانید.

۱۲۹۵ شوال ۱۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۱- مرآت البلدان جلد ۳ از صفحه ۲۳۵ تا ۲۳۸
- ۲- مآثر الانار صفحه ۲۴۷
- ۳- منتظم ناصری جلد ۱ صفحه‌های ۲۷، ۲۹، ۲۳۸، ۲۳۹
- ۴- روزنامه شرافت نمره ۱۰، ۱۴، ۱۳، ۱۱ ق.
- ۵- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه صفحه ۸، ۱۰، ۱۱
- ۶- صدر التواریخ صفحه ۲۷۰
- ۷- منتظم ناصری جلد ۱ از صفحه ۲۳۸ تا ۲۳۹